

خودسازماندهی شهری در عمل: شناسایی الگویی برای درک اقدامات جمعی در محلات شهر سبزوار^۱

فاطمه صفار سبزوار*، مریم دانشور**، تکتم حنایی***، سید مسلم سیدالحسینی****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۵/۱۱

چکیده

مطالعات نشان می‌دهد، مفهوم خودسازماندهی شهری می‌تواند راهی را برای تحقق مشارکت واقعی شهروندان پیش‌روی محققان قرار دهد. با وجود اهمیت این موضوع، به نظر می‌رسد خلاً شناختی عمدہ‌ای در این زمینه در کشور وجود دارد. با توجه به ماهیت زمینه‌گرای خودسازماندهی شهری، برای بهره‌گیری از این مفهوم در توسعه‌ی محلات کشور باید ابتدا شناختی از مفاهیم و عناصر خاص این پدیده در داخل انجام شود. هدف پژوهش حاضر شناسایی مفاهیم و مقولات خودسازماندهی شهری در محلات شهر سبزوار و بررسی چگونگی ارتباط بین این مفاهیم و مقولات می‌باشد. برای دستیابی به هدف مذکور در این پژوهش از روش نظریه‌ی داده بنیاد چندگانه استفاده شده است و طی فرآیندی رفت و برگشتی به مرور متون نظری موجود و مصاحبه با ۱۸ نفر از کنشگران فرآیندهای خودسازماندهی شهری در سبزوار، مسئولان و متخصصان مسائل شهری پرداخته شد. طی فرآیند پژوهش ۴۲۳ کد اولیه، ۶۸ مفهوم و ۲۲ مقوله شناسایی گردید. از میان مقولات بدست‌آمده جریان ثابت انرژی به عنوان مقوله‌ی محوری معرفی شده و الگوی پیشنهادی با تأکید بر شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر و راهبردها و پیامدها ترسیم و ارائه گردید. مطابق با یافته‌های پژوهش، جریان ارتباطات، تعاملات و تبادل ایده‌ها، تجربیات و اطلاعات در میان کنشگران مختلف فرآیندهای خودسازماندهی شهری اعم از شهروندان، افراد کلیدی و مسئولان نهادهای رسمی، اساس فرآیندهای خودسازماندهی شهری مبتنی بر جامعه را تشکیل می‌دهد. از این رو تلاش در جهت برقراری و افزایش جریان مذکور می‌تواند بسترهای لازم برای شکل‌گیری فرآیندهای خودسازماندهی شهری را فراهم آورد. برقراری و تداوم جریان اطلاعات و تبادل تجربیات در میان افراد سبب ایجاد علایق و منافع مشترک و نیز افزایش بینش و آگاهی شهروندان می‌گردد. به منظور دستیابی به اهداف مشترک شهروندان، مذاکرات و توافقاتی درون اجتماع محلی و بین افراد گروه خودسازمانده یا شهروندان دخیل در فرآیندهای خودسازماندهی و نیز مذاکرات و توافقاتی بیرون از اجتماع محلی و میان کنشگران محلی و نهادهای دولتی رخ می‌دهد. در خلال این مذاکرات، برنامه‌ها و پروژه‌های موردنیاز ساکنان تعریف شده و در نهایت، بودجه‌ی مورد نیاز از کanal‌های مختلف از قبیل آورده‌ی مردمی، بودجه‌های اختصاص‌یافته محلی و تبدیل پتانسیل‌های مختلف به یکدیگر تأمین می‌گردد. از سوی دیگر، ساختارها و چارچوب‌های قانونی تسهیل‌کننده و مکانیسم‌های مطلوب حاکمیتی و مدیریت شهری در سطوح کلان و محلی از قبیل وجود سیستم‌های مدیریت شهری چندسطحی و تدوین قوانین انعطاف‌پذیر و قابل تطبیق با شرایط محلی، بسترهایی هستند که اثرات مثبت و قابل توجهی در ایجاد و گسترش فرآیندهای خودسازماندهی شهری بر جای می‌گذارند. مطابق با یافته‌های این پژوهش، فرآیندهای خودسازماندهی شهری، سبب ارتقاء ابعاد عملکردی، معنایی و زیستمحیطی می‌گردد و دستاوردهای اقتصادی و مداخلات اجتماعی و رفتار محور را نیز به همراه دارد.

واژگان کلیدی

خودسازماندهی شهری، سبزوار، مشارکت، نظریه‌ی داده بنیاد چندگانه

۱- این مقاله برگرفته از رساله‌ی دکتری نویسنده اول با عنوان "تدوین الگوی مشارکت شهروندان در توسعه‌ی محلات با بهره‌گیری از ظرفیت خودسازماندهی شهری" می‌باشد که به راهنمایی نویسنده دوم و سوم و با مشاوره‌ی نویسنده چهارم و تحت حمایت صندوق پژوهشگران و فناوران کشور (INSF: Iran National Science Foundation) در گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد در حال انجام است.

f.saffar.s@gmail.com

m.daneshvar@srbiau.ac.ir

t.hanaee@mshdiau.ac.ir

seyedolhosseini5930@mshdiau.ac.ir

** استادیار شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

*** استادیار شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

**** دانشجوی دکترای شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

مقدمه

در جهان امروز، وسعت ابعاد و تغییر در ماهیت مسائل شهری و پیچیدگی این مسائل، چالش‌های جدیدی را پیش‌روی مدیران و برنامه‌ریزان شهری قرار داده است. به منظور مواجهه با این چالش‌ها، برنامه‌ریزی و مدیریت شهرها، بیش از هر زمان دیگری به سطوح پایین‌تر و ابعاد ملموس زندگی شهری توجه و تأکید می‌نماید (Friedman, 1993: 484). در این راستا، محله‌گرایی و سیاست گذاری محلی از جمله اصلی‌ترین رویکردها برای مقابله با مشکلات شهرها و برخی از محله‌های شهری به طور خاص می‌باشد (قادری و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۸). در این رویکرد مشارکت واقعی مردم هدف قرار گرفته و شعار «برنامه‌ریزی بوسیله مردم نه برای مردم» آرمان این نگرش در برنامه‌ریزی شهری است (حاجی پور، ۱۳۸۵: ۴۱ و ۴۴). با وجود اهمیت این موضوع، شواهد بسیاری حاکی از آن است که فرآیندهای مشارکتی، نتایج نالمیدکنندهای به دنبال داشته است (Boonstra & Boelens, 2011: 99). یکی از مهم‌ترین عواملی که عدم موفقیت کامل فرآیندهای مشارکتی را سبب شده، نگرش به این موضوع به عنوان یک مأموریت در دولتها می‌باشد. محققان عقیده دارند که باز شدن گره مشارکت شهر و ندان، به دور شدن از دیدگاه برنامه‌ریزی مشارکتی به عنوان مسئولیتی که باید رخ دهد، نیاز دارد (Hasanov & Beaumont, 2016: 3). به این معنا که برنامه‌های مشارکتی همیشه توسط برنامه‌ریزان و مقامات دولتی تنظیم می‌گردد. اگرچه این امر لزوماً اشتباه نیست، اما تجربه نشان داده است که فرآیند مذکور، برای رسیدن به اهداف برنامه‌های مشارکتی از کارایی کافی برخوردار نیست و حتی در برخی موارد، مغایر با آنها عمل می‌نماید. به عقیده‌ی پژوهشگران، مفهوم خودسازماندهی^۱ می‌تواند راهی برای خروج از این مشکل فراهم نماید. آنها معتقدند که خودسازماندهی شهری^۲ می‌تواند به اهداف مکانی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مشارکت شهر و ندان کمک نماید (Boonstra & Boelens, 2011: 116-117).

خصوصی‌سازی و تفویض مسئولیت‌هایی که بر عهده دولت‌هاست را بر عهده بگیرد (Eisenberg, 2019: 53).

مطالعات متعددی در مورد خودسازماندهی شهری انجام گرفته که به توصیف این فرآیند و برخی عوامل دخیل در آن پرداخته‌اند، اما مطالعات مذکور عمدها در کشورهای توسعه‌یافته‌ای انجام شده که از سابقه‌ی برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری دموکراتیک بالایی برخوردارند و بررسی این موضوع در کشورهای در حال توسعه که سابقه‌ی کمتری در تصمیم‌گیری پایین به بالا دارند، مغفول مانده است. به نظر می‌رسد در کشور ایران نیز خلاصه شناختی عمدت‌های در زمینه‌ی خودسازماندهی شهری وجود دارد که موجب شده، این پدیده در داخل تقریباً ناشناخته باقی بماند و استفاده از این قابلیت عظیم در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، مدیریت و توسعه محلات کشور مغفول واقع گردد. این در حالی است که مشارکت بالای ایرانیان در عرصه‌های غیررسمی (پیران، ۱۳۸۳) و وجود سرمایه‌های اجتماعی فراوان در محلات کشور (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۵)؛ (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷)؛ (بزی و حیدری، ۱۳۹۵: ۱۵۵) نشان‌دهنده وجود ظرفیت‌هایی است که می‌توان در زمینه توسعه مناطق و محلات شهری نیز از آنها بهره برد. وجود بیش از چهارده هزار سمن فعال در حوزه‌های مختلف فعالیت در کشور نیز دلیل دیگری براین مدعاست (پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۲۵ مرداد ۱۳۹۷). از این رو مسأله اصلی این پژوهش عدم شناخت و بهره‌گیری از ظرفیت خودسازماندهی شهری در توسعه محلات کشور می‌باشد. از آنجا که خودسازماندهی شهری نه در محظوظ، نه در فرآیند و نه مکان، تجویزی نیست و جهت بهره‌گیری از این مفهوم، ترجمه و تفسیر ویژگی‌های خاص هر مکان و فعالیت‌های جمعی ناشی از هر جامعه لازم و ضروری است (Eisenberg, 2019: 53)، بنابراین، برای بهره‌گیری از آن در توسعه‌ی محلات کشور بایستی ابتدا شناختی از مفاهیم و عناصر خاص این پدیده انجام شود.

نمونه مورد مطالعه در این پژوهش نیز شهر سبزوار می‌باشد. از آنجا که شهرهای کوچک و میانی از پیوندهای اجتماعی محکم‌تری نسبت به شهرهای بزرگ برخوردارند، بنابراین به نظر می‌رسد جهت پژوهش حاضر انتخاب یک شهر میانی مانند سبزوار به عنوان نمونه مورد مطالعه مناسب‌تر می‌باشد. سبزوار با جمعیتی بالغ بر ۲۴۰ هزار نفر، حدود ۴۰۰ هکتار وسعت دارد و سی و چهارمین شهر پرجمعیت کشور محسوب می‌گردد (پرتال شهرداری سبزوار، ۲۵ اسفند ۱۳۹۵). این شهر از سرمایه‌های اجتماعی، اعتماد متقابل و تعامل ساکنان در محلات مختلف (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۳) و سایه‌های مطلوب از نظر مشارکت مردم در عرصه‌های غیررسمی برخوردار است، به نحوی که طبق بررسی‌های انجام گرفته توسط محققین این پژوهش، حدود ۴۰ نهاد غیررسمی و خودجوش در این شهر نسبتاً کوچک وجود دارد که صورت رسمی نداشته و به عنوان سمن (سازمان مردم نهاد) ثبت نشده‌اند. اگر تعداد ۱۲۸ سمن ثبت شده را نیز در نظر بگیریم (خبرگزاری ایرانا، ۲۳ مرداد ۱۳۹۶) قریب ۱۶۸ نهاد داوطلبانه، مردمی و خودجوش در سبزوار وجود دارد که حاکی از وجود ظرفیت‌های عظیم پنهانی است که می‌توان از آنها در بخش‌های مختلف بهره برد. بر این اساس، در پژوهش حاضر تلاش می‌گردد که مفاهیم و مقولات خودسازماندهی شهری در محلات شهر سبزوار

شناسایی شده و چگونگی ارتباط بین آنها نیز مورد بررسی قرارگیرد. بر این اساس سؤالات پژوهش به صورت زیر مطرح می‌گردد: مفاهیم و مقولات خودسازماندهی شهری در محلات شهر سبزوار چیست؟ و ارتباط بین مفاهیم و مقولات خودسازماندهی شهری در محلات شهر سبزوار چگونه است؟

مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش

با پذیرش شهر به مثابه یک سیستم پیچیده، خودسازماندهی شهری به عنوان یکی از شاخص‌های اساسی آن نمود می‌یابد. شهرها سیستم‌های پیچیده‌ای هستند که ویژگی‌های خودسازماندهی، پویایی و ساختارهای چندسطحی غیرخطی را در خود دارند. این ویژگی‌ها سبب می‌شود که مدیریت شهر تبدیل به یک چالش اساسی گردد، اما در عین حال همین ویژگی‌ها، طیف گسترده‌ای از گزینه‌ها برای اداره شهرها را ارائه می‌نماید (Cevallos, 2014: 6). مروری بر مطالعات پیشین نشان می‌دهد که پژوهش‌های مختلف در زمینه‌ی خودسازماندهی شهری بر پایه‌ی نگرش‌های هستی‌شناسانه متفاوتی، به این مفهوم نگرسته‌اند. تعدادی از مطالعات به مفهوم خودسازماندهی شهری به عنوان یک موضوع خارج از محقق اشاره دارند. در این دیدگاه که نشأت گرفته از نظریات پیچیدگی می‌باشد، تعاملات درون سیستم خودسازمانده، بدون اقدام ذهنی صورت می‌گیرد. نگرش فوق، دیدگاه "خودسازماندهی شهری فضایی-اجتماعی" را تشکیل می‌دهد. با تکیه بر این دیدگاه، هاکن و پورچوگالی^۳ (۱۹۹۵)، باروس و سوبیرا^۴ (۲۰۰۲)، هوا^۵ (۲۰۱۵)، پارتان^۶ (۲۰۱۶) و لوی و همکاران^۷ (۲۰۱۶)، از مفهوم خودسازماندهی در رویکردهای مدلسازی و به ویژه در موضوعاتی مانند جغرافیای اقتصادی و رشد شهری استفاده کرده‌اند.

از طرف دیگر برخی پژوهش‌ها به مفهوم خودسازماندهی شهری به صورت موضوعی آمیخته با محقق می‌نگرند و معتقدند که فرآیندهای مذکور حاصل فعالیت‌های آگاهانه‌ی اجتماعی می‌باشند. این نوع نگرش را می‌توان "خودسازماندهی مبتنی بر جامعه" نامید. مطالعات بونسترا و بولنس^۸ (۲۰۱۱)، حسن‌اف و بومانت^۹ (۲۰۱۶)، نانبوگ و کورا^{۱۰} (۲۰۱۶)، انکینسون و دیگران^{۱۱} (۲۰۱۷) و حسن‌اف و زادما^{۱۲} (۲۰۱۸) در این گروه جای می‌گیرند. مفهوم خودسازماندهی شهری در دیدگاه دوم به صورت ابتکارات شهروندی از پایین به بالا و نوآوری‌های اجتماعی گسترش یافته است. مطابق این نگرش، خودسازماندهی شهری به مداخلات فضایی اشاره دارد که از طریق جامعه مدنی و بر مبنای شبکه‌های شهروندان و خارج از کنترل دولتی رخ می‌دهد. این اقدامات توسط گروهی از افراد که منافع یا نیازهای مشترکی دارند، به عنوان راهی برای حل مسائل و یا واکنش به شرایط محرومیت اجتماعی به طور خود به خودی سازماندهی شده‌است (Boonstra & Boelens, 2011: 99):
 (Korah et al, 2017: 366). منشأ مفهوم خودسازماندهی شهری مبتنی بر جامعه را می‌توان در نظریه‌ی کنشگران^{۱۳} لاتور^{۱۴} جستجو نمود. این نظریه، جامعه‌ای از کنشگران انسانی و غیرانسانی را تبیین می‌کند که به صورت مساوی در شبکه پیوند خورده و برای رسیدن به اهداف مشترک خاصی تلاش می‌نمایند. فعل و کنش عاملان و شبکه‌ها و تعامل میان نهادهای اجتماعی، افراد، گروه‌ها و علوم و فنون از مباحث قابل تأمل در نظریه شبکه کنشگران می‌باشد (Williams-Jones & Graham, 2003: 273). مفهوم جامعه (یا هر جم و اجتماع دیگری) با مفهوم شبکه جایگزین می‌شود و این شبکه‌ها بایستی ریاضی شود (Latour, 2005: 308). بر اساس نظریه فوق، محققان عقیده دارند تجزیه و تحلیل بازیگران، شبکه‌ها و نهادهای درگیر در فرآیند خودسازماندهی به روشن شدن این شبکه‌ها کمک کرده و برای مشارکت آنها در سیاست‌گذاری شهری فرستادهای جدیدی را پدید می‌آورد (Boonstra & Boelensb, 2011: 113). در حقیقت، خودسازماندهی شهری مبتنی بر جامعه موضوع مهمی در زمینه‌ی برنامه‌ریزی مشارکتی معاصر محسوب می‌گردد. واگنر^{۱۵} عقیده دارد که برنامه‌ریزی مشارکتی را می‌توان به عنوان مجموع سخت افزار و نرم افزار در نظر گرفت. در این ایده، چارچوب‌های نهادی، سخت افزار و تجربه‌ی شهروندان عادی نرم افزار را تشکیل می‌دهد. به عقیده‌ی او خودسازماندهی شهری در دیدگاه دوم را می‌توان یک دارایی مهم در فهرست نرم افزاری مشارکت شهروندان محسوب نمود (Hasanov & Beaumont, 2016: 4-2). پژوهش‌های انجام گرفته نشان می‌دهد که تعامل چهره به چهره و هویت و درک مشترک شهروندان از چالش‌های مشترک موجود در یک جامعه، افزایش مشارکت افراد برای دستیابی به یک سری اهداف خاص را به همراه دارد. از سوی دیگر، دانش و تجربیات به دست آمده از طریق تعامل این جامعه با محیط خارجی خود، در توسعه و تثبیت ابتکارات آنها نقش مؤثری بر عهده دارد (Atkinson et al, 2017: 5; Nunbogu & Korah, 2016: 15). در دیدگاه اخیر، مشارکت شهروندان به عنوان فرایندی مبتنی بر هوش جمعی فهم می‌گردد که برای اولین بار در ذهن افراد رخ داده و سپس در عملکرد اجتماعی فردی یا جمعی منعکس گردیده است (Beaumont & Hasanov, 2016: 4-2). بایستی به این نکته توجه داشت که اگرچه مطابق با نظریات موجود، ماهیت فرآیندهای خودسازماندهی شهری بر پایه‌ی تعاملات محلی و به دور از دخالت نیروهای خارجی مانند دولت قرار دارد، اما جهت مطالعه این فرآیندها و بهره‌گیری از آنها در فرآیندهای برنامه‌ریزی و توسعه، توجه به نقش عوامل محیطی و خارجی نیز ضروری به

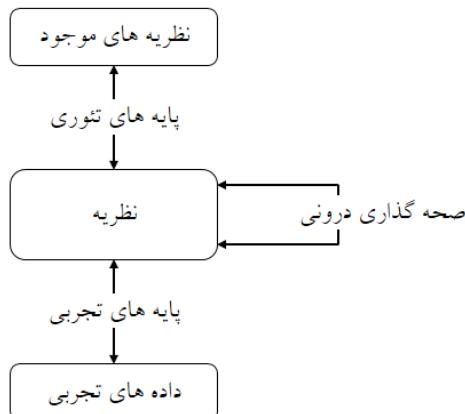
نظر می‌رسد. چرا که این فرآیندها در یک زمینه و محیط واقعی شهری رخ داده و در خلاء شکل نمی‌گیرند (صفار سبزوار و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۵)؛ (Nederhand et al, 2015: 17) در پژوهش پیش‌رو، خودسازماندهی شهری در دیدگاه دوم مورد نظر می‌باشد.

محققان عقیده دارند فرآیندهای پایین به بالای خودسازماندهی شهری می‌توانند به فرآیندهای رسمی و بالا به پایین برنامه ریزی متصل شوند و بر کیفیت زندگی و فعالیت‌های اجتماعی شهروندان و حتی بر شکل فضاهای شهری تأثیرگذار باشند. اگرچه فقدان قدرت مشارکت کنندگان، عدم توجه به دستورالعمل‌های شهری و وجود ارتباطات ضعیف با سطوح تصمیم‌گیری، هنوز چالش‌های بزرگی در این مسیر محسوب می‌گردند (Meerkerk & et al, 2013: 1650)؛ (Horelli et al, 2015: 299). وارد نمودن فرآیندهای خودسازماندهی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها مستلزم درک مسیرهای مختلفی است که از طریق آنها می‌توان اقدامات جمعی محلی را به مشارکت فعال و فرآیند بین شهروندان، سیاستگذاران، دانشگاهیان، مشاغل مختلف و کل جامعه منتهی نمود (Hasanov & Zuidema, 2018).

روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف در دسته‌ی کاربردی- توسعه‌ای قرار می‌گیرد. در این پژوهش برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق از روش نظریه داده بنیاد چندگانه^{۱۵} یا تئوری داده بنیاد چندپایه (MGT) که گونه‌ای از روش تحقیق کیفی می‌باشد، استفاده شده است. چرا که مسئله تحقیق، مسئله‌ای چند وجهی، پیچیده و فرآیندی است و نظریه داده بنیاد چندپایه می‌تواند روش مناسبی در درک مجموعه شرایط و عوامل مؤثر باشد.

روش تئوری داده بنیاد چند پایه، بر پایه‌ی روش تئوری داده بنیاد (گراند تئوری / GT) و در جهت رفع برخی انتقادات وارد بر آن بنا شده است. یکی از مهم‌ترین انتقادات مذکور، خطر آشکار انزوای دانش در اثر عدم استفاده از نظریات موجود در تئوری داده بنیاد است. بر همین مبنای، روش نظریه داده بنیاد چندگانه به عنوان رویکردی جایگزین مطرح شده است. این روش شامل سه نوع فرایند زمینه‌ای "پایه‌های تجربی"، "پایه‌های نظری" و "زمینه‌های درونی" می‌باشد (Goldkuhl & Cronholm, 2010: 188). همانگونه که شکل شماره ۱ نشان می‌دهد، در این روش، نه تنها از پایه‌گذاری تجربی برای نظریه‌ی در حال ظهور استفاده می‌شود، بلکه از انواع مختلف دانش نیز برای تأیید نظریه استفاده می‌گردد.



تصویر ۱- سه منبع پایه در مولتی گراند (منبع: 193: 2010 Goldkuhl & Cronholm)

فرآیندهای کدگذاری در نظریه داده بنیاد چندگانه در قسمت‌های زیادی با فرآیندهای کدگذاری در روش اشتراوس و کوربین مطابقت دارد. "کدگذاری استقرایی" (در MGT) معادل با "کدگذاری آزاد" (در GT) می‌باشد. در هر دو روش بر ذهن باز در تجزیه و تحلیل داده‌ها تأکید می‌گردد. مرحله‌ی بعد از کدگذاری استقرایی در MGT، "پالایش مفهومی" است، که این مرحله در GT وجود ندارد. مرحله‌ی پالایش مفهومی به منظور شفافسازی مفاهیم صورت می‌پذیرد. با توجه به اینکه مفاهیم در مراحل مختلف MGT ظهور می‌یابند، ارزیابی مستمر آنها طی فرآیند تکوین نظریه، موجب تضمین اعتبار نظریه‌ی در حال ظهور خواهد شد. پالایش مفهومی بوسیله‌ی طرح سوالاتی در باره‌ی مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده انجام می‌پذیرد. این سؤالات شامل "چیستی پدیده"، "جاگاه هستی شناسی پدیده"، "زمینه و سایر پدیده‌های مرتبط با پدیده"، "اهداف و کارکرد پدیده"، "منشاء ظهور پدیده" و "بررسی معنای زبان شناختی پدیده" می‌باشد (Goldkuhl & Cronholm, 2010: 195).

"کدگذاری الگویی" (یا ساختارهای طبقه‌بندی شده) در MGT همان کدگذاری محوری (در GT) است. با این تفاوت که در MGT بروجود تنها یک مقوله‌ی محوری تأکید نشده است. شروط انتخاب مقوله‌ی محوری عبارتند از: تکثر تأکیدات در مصاحبه‌های صورت گرفته و مطالعه- اسناد، ظهور مکرر آن در موارد، ارتباط منطقی و محکم با مقوله‌های دیگر و انتزاعی بودن به منظور حفظ قابلیت استفاده در دیگر عرصه‌های خرد واقعی (دانشور و همکران، ۱۳۹۸: ۱۶۱). "غنى سازى نظرى" که به نوعی مرحله پایانی در روش تئوری داده بنیاد چندپایه می‌باشد، بایستی همراه با فرآیندهای سه گانه تطبیق نظری، ارزیابی انسجام نظری و اعتبار تجربی انجام شده و از این طریق نظریه تکوین یابد (Lind & Goldkuhl, 2006: 74).

جدول ۱- مقایسه ساختار و مراحل مختلف GT و MGT منبع: (Goldkuhl & Cronholm, 2010: 200)

نظريه دادهبنیاد (GT)	نظريه دادهبنیاد چندگانه (MGT)	مقاييسه
-	بازتاب علاقه پژوهش و بازنگری آن	به صراحت در GT موجود نیست.
کدگذاری باز	کدگذاری استقراری	روش‌ها مشابه
-	پالایش مفهومی	در GT در این مورد تصریحی نشده است.
کدگذاری محوری	کدگذاری الگویی	روش‌ها مشابه
کدگذاری انتخابی	غنى سازى نظرى (خلاصه‌سازى نظرى)	در نظرىه داده بنیاد چندگانه تأکيد به وجود تنها یک مقوله اصلی نیست.
-	تطبيق نظرى	در GT در این مورد تصریحی نشده است.
-	اعتبارستجgi صريح تجربى	در GT در این مورد تصریحی نشده است.
-	ارزیابی انسجام نظری	در GT در این مورد تصریحی نشده است.

در روش نظریه‌ی داده بنیاد چندپایه مفاهیم نهایی بدست‌آمده حاصل تعامل مستمر و فرآیندی رفت و برگشتی میان دو نوع زمینه‌یابی نظری و تجربی می‌باشد بر این اساس، در پژوهش حاضر، به صورت همزمان به زمینه‌یابی نظری و زمینه‌یابی تجربی پرداخته شد. در گام اول، در راستای زمینه‌یابی نظری و پس از تعیین سوالات اولیه تحقیق، کلیدوازه‌ی خودسازماندهی شهری، به مثابه معیار ورود به مطالعات تعیین شده و بر این اساس زمینه‌یابی نظری انجام گرفت. بدین منظور، کلیه مقالات علمی فارسی و انگلیسی منتشر شده در زمینه‌ی خودسازماندهی شهری، حد فاصل ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ بررسی شده و پس از غربال‌گری تعداد ۱۵ مقاله مورد کدگذاری قرار گرفت. برای دستیابی به این مقالات از پایگاه‌های اطلاعاتی Taylor & Francis, Science Direct, Wiley, Google Scholar, Springer, Magiran, Sid و Public Management Review استفاده شد. در این مرحله تعداد ۱۳۹ کد اولیه از ادبیات نظری موجود احصاء گردید. در جدول ۲ مشخصات مقالات مورد استفاده و تعداد کدهای مستخرج از هر مقاله ارائه شده است.

جدول ۲- مشخصات مقالات مورد استفاده و تعداد کدهای مستخرج

عنوان مقاله	نوبنده/ نویسنده/ کنفرانس	سال انتشار	عنوان نشریه/ کنفرانس	تعداد کدها
Urban neighborhood communities organised online – A new form of self-organization in the Polish city?	Kotus & Hlawka	2010	Cities	۶
Self-Organization in Urban Regeneration: A Two-Case Comparative Research.	Meerkerk, Boonstra, & Edelenbos	2013	European Planning Studies	۲۰
Self-Organization and the Role of Government: How and why does self-organization evolve in the shadow of hierarchy?	Nederhand, Bekkers, & Voorberg	2015	Public Management Review	۸
Using Social Media and Mobile Technologies to Foster Engagement and Self-Organization in Participatory Urban Planning and Neighbourhood Governance.	Kleinhans, Ham, & Cowley	2015	Planning Practice & Research	۶

عنوان مقاله	نویسنده / نویسنده‌گان	سال انتشار	عنوان نشریه / کنفرانس	تعداد کدها
When Self-Organization Intersects with Urban Planning: Two Cases from Helsinki.	Horelli, Sulonen, Wallin, & Botero	2015	Planning, Practice & Research	۱۰
Urban Land Changes as the Interaction between Self-Organization and Institutions.	Zhang, De, & Van	2015	Planning, Practice & Research	۱۳
The value of collective intentionality for understanding urban self-organization.	Hasanov & Beaumont	2016	Urban Research & Practice	۷
Self-organisation in urban spatial planning: Evidence from the Greater Accra Metropolitan Area, Ghana.	Nunbogu & Korah	2016	Urban Research & Practice	۱۰
Civic initiatives in urban development: self-governance versus self-organization in planning practice	Rauws	2016	Town Planning Review (TPR)	۵
Experimenting in Urban Self-organization. Framework-rules and Emerging Orders in Oosterwold (Almere, The Netherlands)	Cozzolino, Buttelaar, Moroni, & Sorel	2017	COSMOS + TAXIS	۱۷
Spatial Planning in Ghana: Exploring the Contradictions.	Korah, Cobbinah, & Nunbogu	2017	Planning Practice & Research	۹
Making the case for self-organization: understanding how communities make sense of sustainability & climate change through collective action.	Atkinson, Dörfler, Hasanov, Rothfu, & Smith	2017	Sustainable Society	۷
The transformative power of self-organization: Towards a conceptual framework for understanding local energy initiatives in The Netherlands.	Hasanov & Zuidema	2018	Energy Research & Social Science	۷
Patterns of self-organization in the context of urban planning: Reconsidering venues of participation.	Eizenberg	2019	Planning Theory	۹
Framework rules for self-organizing cities: Introduction	Rauws, Cozzolino, & Moroni	2020	Urban Analytics and City Science	۵

زمینه‌یابی تجربی در پژوهش حاضر از طریق مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته صورت پذیرفت. با هدف افزایش کیفیت داده‌های حاصل از مصاحبه، در این پژوهش، پروتکل مصاحبه از طریق چارچوب پالایش پروتکل مصاحبه (IPR) (تدوین و پالایش گردید. کنشگران دخیل در فرآیندهای خودسازماندهی شهری در شهر سبزوار شامل شهر وندان و گروههای خودسازمانده، مسئولان مدیریت شهری و همچنین متخصصان مسائل شهری جامعه‌ی آماری این پژوهش را تشکیل داده‌اند. که برای انتخاب نمونه آماری از ترکیب روشهای هدفمند قضاوی و گلوه برفی که روشهای غیراجتماعی هستند، استفاده شده است. به این صورت که با توجه به آشنایی محقق با برخی از افراد دخیل در فرآیندهای خودسازماندهی شهری، از آنها خواسته شد که در صورت امکان افراد دیگری را که سابقه همکاری و آشنایی با فرآیندهای خودسازماندهی شهری دارند را معرفی نمایند. کفایت نمونه‌گیری با روش نمونه‌گیری نظری محقق شده است. بدین معنا که این فرآیند تا آنجایی ادامه پیدا کرد که اشباع نظری حاصل شده و مقوله‌ها اشباع شدند. پژوهش حاضر در شانزدهمین مصاحبه به اشباع نظری رسید که به جهت اطمینان، این روند تا هجدهمین مصاحبه ادامه یافت. ۱۰ نفر از مصاحبه‌شوندگان شهر وندانی بودند که در فرآیندهای خودسازماندهی شهری به صورت مستقیم مشارکت داشتند. ۵ نفر از مسئولین مدیریت شهری سبزوار بوده و ۳ نفر نیز از متخصصین حوزه‌ی مسائل شهری بودند. ۱۴ نفر از مصاحبه‌شوندگان مرد و ۴ نفر زن بودند. ۹ نفر از مشارکت کنندگان در مصاحبه دارای مدرک دیپلم یا کارشناسی بوده و ۶ نفر دیگر مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا دکتری داشتند. بعد از انجام هر مصاحبه، به منظور جلوگیری از فاصله گرفتن ذهن محقق با شرایط

مصاحبه، بالافصله روند پیاده‌سازی آن صورت گرفت و سپس، مراحل کدگذاری استقراری، پالایش مفهومی، کدگذاری الگویی و غنی‌سازی نظریه صورت پذیرفت که یافته‌های حاصل از این مراحل در بخش یافته‌های پژوهش به صورت مفصل و به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرند. بستر پژوهش شهر سبزوار است که از سابقه‌ی نسبتاً مناسبی در مشارکت‌های غیررسمی برخوردار می‌باشد. به نحوی که بسیاری از مهم‌ترین پژوهش‌های زیربنایی این شهر با مشارکت صد درصدی مردم اجرا شده است که از آن میان می‌توان به احداث دانشگاه حکیم سبزواری، احداث فرودگاه و پیگیری احداث راه‌آهن سبزوار اشاره کرد. مطابق بررسی‌های صورت گرفته در پژوهش حاضر، انواع مختلفی از گروه‌های خودسازماندهی شهری در سبزوار مشغول فعالیت هستند که می‌توان آنها را بر اساس دامنه‌ی فعالیتشان به سه دسته تقسیم کرد. دسته‌ی اول گروه‌هایی هستند که دامنه‌ی فعالیت آنها به یک محله محدود می‌گردد. دسته‌ی دوم شامل گروه‌هایی است که دامنه‌ی فعالیت آنها چند محله و یا قسمتی از شهر می‌باشد و دسته‌ی سوم گروهی است که دامنه‌ی فعالیش کل محلات شهر را در بر می‌گیرد. با توجه به عدم تمایل مصاحبه‌شوندگان از ذکر نام گروه‌ها و افراد مصاحبه‌شونده در این پژوهش خودداری می‌گردد.

یافته‌های پژوهش

بر طبق روش تئوری داده بنیاد چندپایه در این پژوهش، مفاهیم حاصل، به مرور زمان و همزمان با مراحل مختلف و طی فرآیندهای رفت و برگشتی بسیار ظهور یافته و به طور مستمر مورد ارزیابی و بازبینی قرار گرفتند. در ادامه یافته‌های پژوهش حاضر به تفکیک مراحل مختلف تشریح می‌گردد.

کدگذاری استقراری: در مرحله‌ی کدگذاری استقراری در پژوهش پیش‌رو، تحلیل سطر به سطر و معاینه‌ی دقیق و عبارت به عبارت متن مصاحبه‌ها، منجر به استخراج ۲۸۴ کد اولیه گردید. کدهای احصاء شده از این قسمت به علاوه‌ی کدهای بدست آمده از زمینه‌یابی نظری (جمعاً ۴۲۳ کد اولیه) با یکدیگر مقایسه گردیده و پس از بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها در قالب ۶۸ مفهوم دسته‌بندی شدند. در مرحله‌ی بعد، دسته‌بندی مفاهیم بر اساس شباهت‌ها، منجر به استخراج ۲۲ مقوله گردید. جدول ۳ مفاهیم و مقولات مستخرج و تعداد کدهای هر مقوله را به تفکیک نشان می‌دهد.

جدول ۳- مفاهیم و مقولات خودسازماندهی شهری در محلات سبزوار

فرآوانی کدهای معرف اولیه				مفاهیم استخراج شده	مغفوლیت در توسعه
در	در	در پیشینه	مقولات		
کل	پیشینه	شماره مقالات مرجع مطابق با جدول ۲			
۲۴	۱۷	۷ (۸، ۷، ۶، ۳، ۲)	عوامل محرك	عدم انصال بخش دولتی و خصوصی	نیازهای افراد
۳۴	۱۷	۱۷ (۱۴، ۱۳، ۱۰، ۸، ۷، ۶، ۵، ۳، ۲، ۱)	نیروهای ساختاری و ظرفیت‌های اجتماع محلی	سرمایه‌های انسانی	هدف
۸	۲	۶ (۱۵، ۵، ۴، ۱)	شفافیت و قابلیت دسترسی به اطلاعات	فضای مجازی	تحرک درونی
۴۹	۲۵	۲۴ (۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۱، ۱۰، ۹، ۶، ۴، ۳، ۲)	قوانين و نیروهای نهادی	قوانين و نهادهای رسمی محلی	تقنولوژی دیجیتال و فناوری اطلاعات و ارتباطات
۷	۳	۴ (۸، ۵، ۲)	مداخلات اجتماعی و رفتارمحور	قوانين غیررسمی	قوانين و نهادهای رسمی در سطح کلان

فراوانی کدهای معرف اولیه				مقولات	مفاهیم استخراج شده
در پیشینه	در	در	کل	شماره مقالات مرجع مطابق با جدول ۲ پیشینه	
۱۳	۸	۵	(۹، ۵، ۲)	استقلال گروههای خودسازمانده	استقلال عملکردی گروههای خودسازمانده استقلال فکری گروههای خودسازمانده مطالعات بافت فرسوده اصلاح شبکه دسترسی و حمل و نقل
۵۰	۳۹	۱۱	(۱۴، ۱۱، ۱۰، ۸، ۵، ۲)	ارتقاء بعد عملکردی	آمادهسازی و طراحی شهری شهرک مسکونی و تأمین مسکن اجرای زیرساختها و تأمین خدمات حفظ و نگهداری پس از اجرا ایجاد فضاهای اوقات فراغت
۱۳	۸	۵	(۱۴، ۵، ۲)	رسمیتبخشی به گروههای خودسازمانده محلی	رسمی کردن گروههای خودسازمانده
۱۵	۹	۶	(۸، ۲، ۱)	ظرفیت‌ها و دارایی‌های فیزیکی	دارایی‌های مالی موجود منابع و ظرفیت‌های کالبدی موجود و موقعیت مکانی
۴	۴	۰		ظرفیت مجامع علمی محلی	ظرفیت مجامع علمی محلی
۲۵	۲۰	۵	(۱۰، ۸، ۵، ۲)	مذاکرات و توافقات	توافق با نهادهای ذیربیط مذاکره و بده بستان با نهادهای دولتی مذاکره با شهروندان، مذاکره اعضای گروه خودسازمانده
۹	۴	۵	(۱۲، ۲)	ایجاد علائق و منافع مشترک	مسئولیت و بهره مشترک علائق مشترک
۱۳	۹	۴	(۲)	ارتقاء بعد معنایی	احساس تعلق سرزندگی احساس هویت آورده مردمی
۲۳	۱۸	۵	(۱۰، ۸، ۲)	روش‌های تأمین بودجه چندبخشی	پتانسیل‌های موجود و تبدیل آنها به یکدیگر منابع گروه خودسازمانده
۱۲	۸	۴	(۱۳، ۱۲)	ارتقاء بعد زیست محیطی	بودجه‌ریزی محلی ارتقای پاکیزگی محیط حافظت از فضای سبز
					طرح کمرنندی فضای سبز حفاظتی

فرابانی کدهای معرف اولیه				مقولات	مفاهیم استخراج شده
در کل	در در	در پیشینه	شماره مقالات مرجع مطابق با جدول ۲ پیشینه		
۷	۶	۱	(۱۳)	یادگیری جمعی	افزایش بینش شهروندان آموزش شهروندان
۶	۵	۱	(۱۰)	عزم مدیران	نگرش مدیران عملکرد مدیران
۱۳	۱۰	۳	(۱۴، ۲)	دستاوردهای اقتصادی	بهرهوری اقتصادی صرفه‌جویی در هزینه‌ها اشتغال و کارآفرینی جذب سرمایه‌گذار صاحب فکر و ایده معتمد و امین توافق جمعی خودباور و مسئول آشنا با تکنیک‌های مذاکره و گفتگو
۳۶	۳۰	۶	(۱۲، ۷، ۳)	ویژگی‌های اجتماعی- روانشناسی افراد کلیدی	احساس تعلق عدم جناح‌بندی سیاسی سابقه پروژه‌های مشارکتی انعطاف‌پذیری در برابر قوانین و شرایط احتمالی اشراف کامل به فرآیندها و روندهای قانونی موجود اشراف کامل بر وضعیت موجود محله آگاهی شهروندان
۱۳	۱۲	۱	(۳)	ظرفیت فنی، دانش و آگاهی شهریوندان	ظرفیت فنی و دانش و مهارت شهروندان
۶	۴	۲	(۱۰، ۷)	مجاورت فضایی- اجتماعی	نگرش یکسان محیط کاری/ زندگی یکسان
۴۳	۲۶	۱۷	(۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲)	جريان ثابت انرژی	ارتباط افراد کلیدی با سایر گروه‌های خودسازمانده (شبکه گروه‌ها) ارتباط شهریوندان با یگدیگر (شبکه شهریوندان) ارتباط مدیران با یکدیگر (شبکه مدیران) پیوند دائمی نهادهای دولتی با جامعه‌ی مدنی

پالایش مفهومی: در این مرحله، مقولات حاصل از داده‌ها در مرحله‌ی کدگذاری استقرایی، به روشنی انتقادی مورد بررسی قرار گرفت تا بدینوسیله از خطر تسلط داده‌ها بر فرآیند تکوین نظریه پیشگیری گردد و به شفافسازی بیشتر آنها کمک نماید. به همین منظور از طریق طرح سوالات مذکور در بخش روش تحقیق، مقولات حاصل مورد ارزیابی قرار گرفت. در ادامه و در جدول ۴ نمونه‌هایی از پالایش مفهومی برخی از مقولات احصاء شده در این پژوهش ارائه می‌گردد.

جدول ۴- پالایش مفهومی برخی از مقولات احصاء شده در مرحله کدگذاری استقرایی

چیستی و محتوا	قوانین و نیروهای نهادی
چارچوب‌های قانونی، نیروهای نهادی و شیوه‌های مدیریت شهری در سطوح خرد و کلان	جایگاه هستی‌شناسی
زمینه و سایر پدیده‌های مرتبط	مصنوعات مادی / انسان‌ها و اقدامات آنها
اهداف و کارکرد	روش‌های تأمین بودجه چندبخشی، شفافیت و قابلیت دسترسی به اطلاعات، جریان ثابت انرژی
منشأ ظهور	تسهیل کننده روند خودسازماندهی شهری
چیستی و محتوا	توسعه برنامه ریزی شده و عمده
جایگاه هستی‌شناسی	ویژگی‌های اجتماعی-روانشناختی افراد کلیدی
زمینه و سایر پدیده‌های مرتبط	وجوهی از شخصیت افراد کلیدی در گروه خودسازمانده که به بعد اجتماعی-روانشناختی آنها برمی‌گردد.
جایگاه هستی‌شناسی	پدیده‌ای بین ذهنی
اهداف و کارکرد	جریان ثابت انرژی، مذاکرات و توافقات، ظرفیت‌ها و دارایی‌های اجتماع محلی
منشأ ظهور	افزایش ظرفیت گروه خودسازمانده در جهت تحقق اهداف
چیستی و محتوا	منشأ درونی، به صورت آگاهانه ظهور می‌یابد.
جایگاه هستی‌شناسی	عوامل محرك
چیستی و محتوا	عاملی که آغازگر تعامل اعضا و فرآیند خودسازماندهی شهری می‌گردد.
جایگاه هستی‌شناسی	پدیده‌ی بین ذهنی / اقدامات انسان‌ها / مصنوعات مادی
زمینه و سایر پدیده‌های مرتبط	مذاکرات و توافقات، جریان ثابت انرژی، نیروهای ساختاری و ظرفیت‌های اجتماع محلی
اهداف و کارکرد	تحريك کننده افراد و آغازگر فرآیند خودسازماندهی شهری
منشأ ظهور	توسعه برنامه ریزی شده و عمده یا غیرعمده

کدگذاری الگویی: به منظور تحلیل فرآیندهای خودسازماندهی شهری، در این مرحله مقوله‌های به دست آمده کدگذاری الگویی شد و یکی از مقوله‌های به دست آمده از کدگذاری استقرایی به عنوان مقوله‌ی محوری مورد شناسایی قرار گرفت. شرط انتخاب مقوله محوری ظهور مکرر آن در داده‌ها، ارتباط منطقی و محکم با سایر مقوله‌ها و انتزاعی بودن به منظور حفظ قابلیت استفاده در دیگر عرصه‌های خرد واقعی مطرح شده است.

بر این اساس، مقوله‌ی جریان ثابت انرژی (با ۴۳ بار تکرار در داده‌ها) به عنوان مقوله‌ی محوری در خودسازماندهی شهری در محلالات شهر سبزوار معرفی گردید. مقوله‌ی جریان ثابت انرژی شامل چهار مفهوم "ارتباط افراد کلیدی با سایر گروههای خودسازمانده (شبکه گروه‌ها)"، "ارتباط شهر و دان با یکدیگر (شبکه شهر و دان)"، "ارتباط مدیران با یکدیگر (شبکه مدیران)" و "پیوند دائمی نهادهای دولتی با جامعه‌ی مدنی" می‌گردد. جریان ثابت انرژی به معنای ایجاد جریان دائمی ارتباطات، تعامل و تبادل ایده‌ها، تجربیات و اطلاعات بین کنسرگران مختلف است. ظهور متعدد این مقوله در داده‌های بدست آمده حاکی از اهمیت آن در فرآیندهای خودسازماندهی شهری می‌باشد.

غنجی‌سازی نظریه: این مرحله در روش تئوری داده بنیاد چندپایه معادل مرحله کدگذاری انتخابی در تئوری داده بنیاد است که در آن مقوله‌ی محوری به صورتی نظاممند با دیگر مقولات مرتبط شده و روابط در چارچوب یک روایت تئوریک روشن می‌گردد. در این پژوهش نیز، پس از معرفی مقوله‌ی جریان ثابت انرژی به عنوان مقوله‌ی محوری، سایر مقولات مطابق با شیوه‌ی اشتراوس و کوربین در ارتباط با یکدیگر

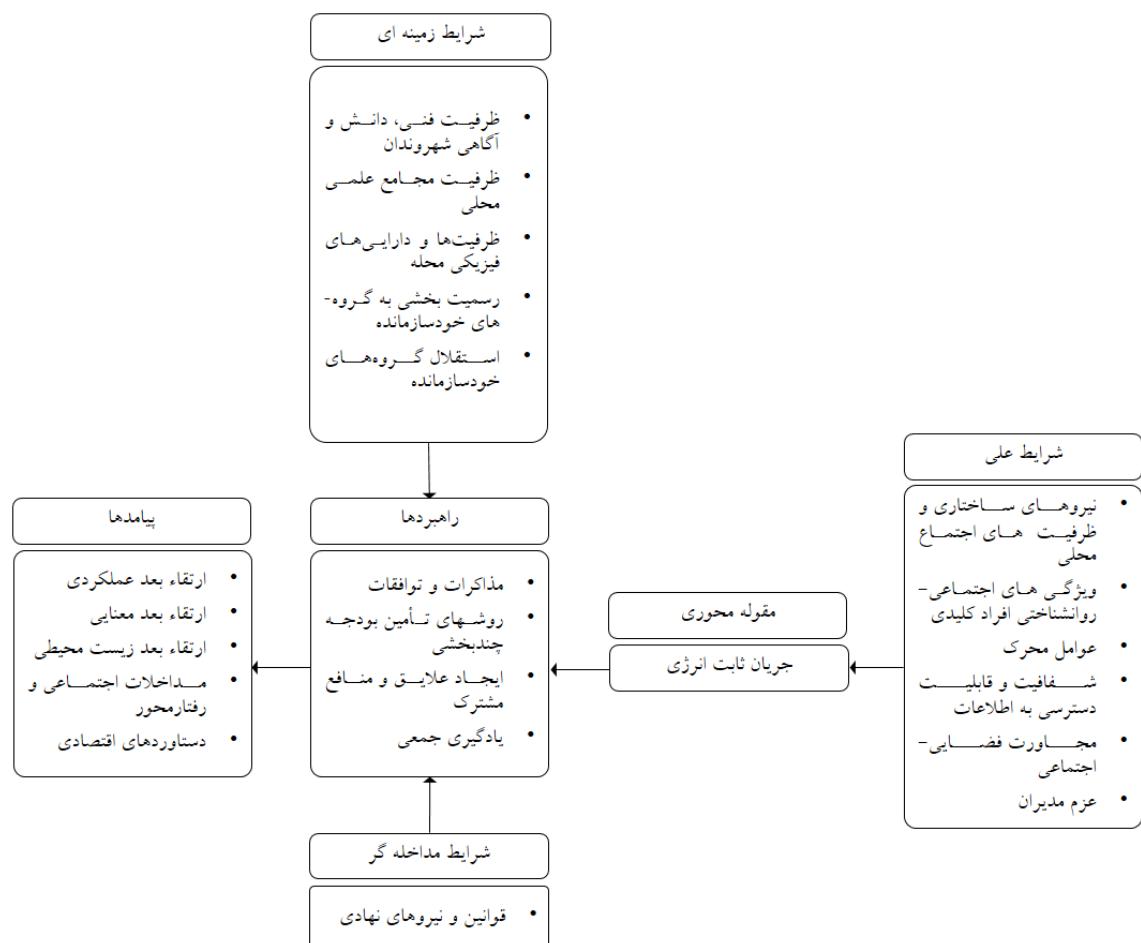
و در ارتباط با مقوله‌ی محوری قرار گرفتند و الگوی خودسازماندهی شهری در محلات شهر سبزوار ظهرور یافت. در الگوی بدبست آمده، شش مقوله‌ی "عوامل محرك"، "نیروهای ساختاری و طرفیت‌های اجتماع محلی"، "شفافیت و قابلیت دسترسی به اطلاعات"، "ویژگی‌های اجتماعی- روانشناسی افراد کلیدی"، "مجاورت فضایی- اجتماعی" و "عزم مدیران" به عنوان شرایط علی شناسایی گردیدند. مقولات ذکور بر شکل گیری جریان ثابت انرژی تأثیر می‌گذارند.

چنانچه راهبردها را کنش‌ها و برهم‌کنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شود بدانیم، راهبردهای منتج از مقوله‌ی محوری در الگوی مذکور عبارتند از: "مذاکرات و توافقات"، "روش‌های تأمین بودجه چندبخشی"، "ایجاد عالیق و منافع مشترک" و "یادگیری جمعی". در حقیقت، برقراری و تداوم جریان اطلاعات و تبادل تجربیات در میان افراد سبب ایجاد عالیق و منافع مشترک و نیز افزایش بینش و آگاهی شهروندان می‌گردد. به منظور دستیابی به اهداف مشترک شهروندان، مذاکرات و توافقاتی درون اجتماع محلی و میان کنشگران محلی و نهادهای دولتی رخ می‌دهد. در خلال این مذاکرات، برنامه‌ها و پروژه‌های موردنیاز ساکنان تعریف شده و در نهایت، بودجه‌ی مورد نیاز از کانال‌های مختلف از قبیل آورده‌ی مردمی، بودجه‌های اختصاص یافته‌ی محلی و تبدیل پتانسیل‌های مختلف به یکدیگر تأمین می‌گردد.

با در نظر گرفتن زمینه‌ها به عنوان شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند، در این الگو مقولات "ظرفیت فنی، دانش و آگاهی شهروندان"، "ظرفیت مجامع علمی محلی"، "ظرفیت‌ها و دارایی‌های فیزیکی محله"، "رسمیت بخشی به گروه‌های خودسازمانده" و "استقلال گروههای خودسازمانده" به عنوان شرایط زمینه‌ای معرفی می‌گردد. شرایط مداخله‌گر در الگوی حاصل از پژوهش حاضر "قوانين و نیروهای نهادی" می‌باشد. شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای عمومی هستند که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند. ساختارها و چارچوب‌های قانونی تسهیل کننده و مکانیسم‌های مطلوب حاکمیتی و مدیریت شهری در سطوح کلان و محلی از قبیل وجود سیستم‌های مدیریت شهری چندسطحی و تدوین قوانین انعطاف‌پذیر و قابل تطبیق با شرایط محلی، بسترها و مدل‌های اثرات مثبت و قابل توجهی در ایجاد و گسترش فرآیندهای خودسازمانده شهری بر جای می‌گذارند. مطابق با یافته‌های این پژوهش، الگوی پیشنهادی، سبب ارتقاء ابعاد عملکردی، معنایی و زیستمحیطی می‌گردد و دستاوردهای اقتصادی و مداخلات اجتماعی و رفتار محور را نیز به همراه دارد. الگوی خودسازمانده شهری در محلات شهر سبزوار به شرح شکل ۲ تدوین می‌گردد. در نظریه‌پردازی داده بنیاد چندپایه، اعتبارستنجی، بخشی فعل از فرآیند پژوهش بوده و در قالب یکسری راهبرد اجرا می‌شود. اگرچه محاسبه‌ی این شاخص در حوزه‌ی پژوهش‌های کمی با تکیه بر محاسبات و آزمون های آماری دقیق انجام می‌گیرد، در حوزه‌ی پژوهش‌های کمی به دلیل ویژگی‌های خاص آن، به سوی مفاهیم نسبی گرایانه‌تر و تفسیری تر تغییر کرده است. در پژوهش حاضر با استفاده از سه مفهوم "قابلیت اعتبار یا اعتبارپذیری"، "قابلیت انتقال یا انتقال‌پذیری" و "قابلیت تأیید یا تأییدپذیری" تلاش گردیده است که اعتبار پژوهش افزایش یابد. جدول ۵ مفاهیم و روش‌های افزایش اعتبار پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

جدول ۵- مفاهیم و روش‌های افزایش اعتبار پژوهش حاضر

مفهوم	شرح مفهوم	نحوه‌ی افزایش مفهوم در این پژوهش
قابلیت اعتبار	درجه‌ی اعتماد به واقعی بودن یافته‌ها	نمایش و ارائه‌ی تحلیل‌های داده‌ای و نتایج آن به مתחصصان
		ارائه‌ی تحلیل‌های داده‌ای و نتایج آن به پاسخگویان تا از واکنش‌های آنان در مرحله‌ی گزارش‌نویسی آگاهی حاصل آید.
		خود بازبینی محقق در طی فرآیند جمع‌آوری و تحلیل داده استفاده از رویه‌های ویژه‌ی کدگذاری در مرحله‌ی تحلیل داده‌ها
قابلیت انتقال	قابلیت تعمیم نتایج به سایر حوزه‌ها و میزنهای	ارائه توصیفات مفصل و غنی از نحوه‌ی کدگذاری، نقل قولها و پژوهش‌های پیشین
		تشییث و جمع‌آوری داده از منابع مختلف
قابلیت تأیید	قدرت تحلیل و دقت داده‌ها و میزان تأیید آنها	اعطاف‌پذیری و ارزیابی مجدد برنامه‌ی مصاحبه و بازبینی محتوا و فرآیندهای آن



تصویر ۲- الگوی خودسازماندهی شهری در محلات شهر سبزوار

بحث، تفسیر و روایت یافته‌ها

همانگونه که گفته شد، در این پژوهش، مطابق با روش تئوری داده بنیاد چندپایه، یافته‌های پژوهش همزمان و در خلال مراحل مختلف تحقیق شامل کدگذاری استقرایی، پالایش مفهومی، شناسایی مقوله‌ی محوری و غنی‌سازی نظریه، ظهور یافته است. در این بخش، یافته‌های بدست آمده به تفصیل تحلیل و تفسیر می‌گردد.

تحلیل و تفسیر مقوله‌ی محوری جریان ثابت انرژی: جریان ثابت انرژی به معنای جریان دائمی ارتباطات، تعامل و تبادل ایده‌ها، تجربیات و اطلاعات بین کنشگران مختلف فرآیندهای خودسازماندهی شهری است. این جریان شامل؛ ارتباط و تعامل شهروندان با یکدیگر، تبادل اطلاعات افراد کلیدی با سایر گروه‌های خودسازمانده، ارتباط مدیران نهادهای دولتی با یکدیگر و پیوند دائمی نهادهای دولتی با جامعه‌ی مدنی می‌باشد. این مقوله اساس فرآیندهای خودسازماندهی شهری را تشکیل می‌دهد. در حقیقت از طریق تعاملات پویا و دائمی در میان کنشگران مختلف، روابط سازنده‌ی حیاتی و شبکه‌های متصل کننده افراد ایجاد شده، رشد و نمو یافته و خودسازماندهی شهری ظهور می‌باید. دانش و تجربیات به دست آمده از طریق این تعاملات، نقش بسیار مهمی را در توسعه و تثبیت روندهای خودسازماندهی ایفا می‌نماید. موضوعی که در داده‌های جمع‌آوری شده به شیوه‌های مختلف مورد توجه و تأکید قرار گرفته بود. مقوله‌ی جریان ثابت انرژی شامل ۴ مفهوم می‌باشد که در پژوهش‌های پیشین مانند کورا و همکاران (۲۰۱۷) و اتکینسون و همکاران (۲۰۱۸) به مفاهیم "ارتباط افراد کلیدی با سایر گروه‌های خودسازمانده" و "پیوند دائمی نهادهای دولتی با جامعه‌ی مدنی" اشاره شده است. مفاهیم "ارتباط شهروندان با یکدیگر (شبکه شهروندان)" و "ارتباط مدیران با یکدیگر (شبکه مدیران)" از مفاهیمی است که در این پژوهش بدست آمده است.

تحلیل و تفسیر شرایط علی: همانگونه که پیشتر بیان شد، در الگوی بدست آمده، شش مقوله‌ی "عمل محرك"، "نیروهای ساختاری و ظرفیت‌های اجتماع محلی"، "شفافیت و قابلیت دسترسی به اطلاعات"، "ویژگی‌های اجتماعی- روشنایی افراد کلیدی"، "مجاورت فضایی-

اجتماعی" و "عزم مدیران" به عنوان شرایط علی شناسایی گردیدند. مقولات مذکور بر شکل گیری جریان ثابت انرژی تأثیر می‌گذارند. در تشریح این موضوع می‌توان گفت؛ عواملی از قبیل محرومیت‌ها، مغفویت‌ها و چالش‌های موجود در محیط زندگی، نیازهای مختلف افراد و همچنین تحرکات و تغییرات ذهنی و درونی افراد، نقطه‌ی آغازین برقراری تعاملات و ارتباطات میان شهر وندان و شروع فرآیندهای خودسازماندهی شهری می‌باشد. مقوله‌ی عوامل محرك شامل ۵ مفهوم است که این مفاهیم در پژوهش‌های پیشین نظری مرکز و همکاران (۲۰۱۳)، ندرلن و همکاران (۲۰۱۵) و حسن و بومانت (۲۰۱۶) آمده است و پژوهش حاضر نیز آن را تأیید می‌کند.

از سوی دیگر، نیروهای ساختاری و ظرفیت‌های اجتماع محلی نیز در ایجاد جریان ثابت انرژی و شکل گیری شبکه‌های انسانی نقش مؤثری بر عهده دارند. در حقیقت، پیشقدمان، داوطلبان، افراد کلیدی و رهبران محلی که معمولاً از مهارت بالایی در برقراری ارتباط برخوردارند و روابط ریشه‌دار و غیررسمی گسترده‌ای دارند، ارتباطات موردنیاز را برای رفع مشکلات و برطرف شدن نیازهای محله، در داخل و یا خارج از محله برقرار می‌نمایند. مقوله‌ی نیروهای ساختاری و ظرفیت‌های اجتماع محلی شامل ۲ مفهوم "سرمایه‌های انسانی" و "سرمایه‌های اجتماعی" است که در پژوهش‌های پیشین مانند کوتوس و هاواکا (۲۰۱۰)، هورلی و همکاران (۲۰۱۵) و نانبوگو و کورا (۲۰۱۶) نیز به آن اشاره شده و این پژوهش نیز آن را تأیید می‌نماید.

افراد کلیدی و راهبران محلی اغلب از ویژگی‌های اجتماعی- روانشناختی خاصی برخوردارند. این افراد معمولاً مسئولیت‌پذیر بوده و نسبت به مکان زندگی حس تعلق دارند. افراد کلیدی غالباً به تأثیر نقش شهر وندان در توسعه اعتقاد قلبی داشته و سابقه‌ی همکاری در پروژه‌های مشارکتی را نیز دارند. آشنایی با اشکال مذاکره نحوه و شکل گفتگو و فن بیان نیز از دیگر مواردیست که در موفقیت برقراری ارتباطات و تعاملات افراد کلیدی نقش مهمی بر عهده دارد. مقوله‌ی ویژگی‌های اجتماعی- روانشناختی افراد کلیدی ۱۱ مفهوم را در برمی‌گیرد که در پژوهش‌های پیشین مانند ندرلن و همکاران (۲۰۱۵)، حسن و بومانت (۲۰۱۶) و اتکنیسون و همکاران (۲۰۱۷) تنها به ۳ مفهوم حس تعلق، حس احترام، معتمد و امین و توافق جمعی اشاره شده است که در پژوهش حاضر نیز تأیید می‌گردد. سایر مفاهیم شامل خودباعر و مسئول، آشنا با تکنیک‌های مذاکره و گفتگو، عدم جناح بندی سیاسی، سابقه پروژه‌های مشارکتی، انعطاف‌پذیری در برابر قوانین و شرایط احتمالی، اشراف

کامل به فرآیندها و روندهای قانونی موجود و اشراف کامل بر وضعیت موجود محله از مفاهیم بدست آمده در این پژوهش می‌باشد.

مفهوم دیگری که بر ایجاد جریان انرژی تأثیرگذار است، عزم مدیران و پذیرش نقش ویژه‌ی شهر وندان در توسعه‌ی شهرها و محلات در فکر و عمل می‌باشد. پذیرش این موضوع از سوی مدیران سبب تعامل بیشتر به ارتباط و تعامل با شهر وندان شده و ایجاد جریان مداوم انرژی تسهیل می‌گردد. در همین راسته، افزایش شفافیت و قابلیت دسترسی به اطلاعات با استفاده از تکنولوژی دیجیتال و فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز سهم ویژه‌ای در برقراری و تداوم جریان ایده‌ها، اطلاعات و تجربیات بر عهده دارد. مقوله‌ی شفافیت و قابلیت دسترسی به اطلاعات در پژوهش‌های پیشین مانند کلین هنس و همکاران (۲۰۱۵)، هورلی و همکاران (۲۰۱۰) و راوس و همکاران (۲۰۲۰) و ... آمده است و پژوهش حاضر نیز آن را تأیید می‌نماید.

تحلیل و تفسیر راهبردها: همانگونه که گفته شد، راهبردهای منتج از مقوله‌ی محوری در الگوی خودسازماندهی شهری محلات سبزوار عبارتند از: "[ما]ذکرات و تفاوتات"، "روش‌های تأمین بودجه چندبخشی"، "ایجاد عالیق و منافع مشترک" و "یادگیری جمعی".

در تشریح مقولات فوق می‌توان گفت، در خلال برقراری و تداوم جریان اطلاعات و تبادل تجربیات در میان افراد و نهادهای رسمی و غیررسمی، عالیق و منافع مشترک ایجاد و شناسایی می‌گردد. همچنین، بیش و آگاهی شهر وندان در زمینه‌ی ابتکارات و راه حل‌های ممکن، وظایف و اختیارات نهادهای مرتبه با توسعه‌ی محله و قوانین و روندهای موجود، نیز افزایش یافته و یادگیری جمعی اتفاق می‌افتد. به مقولات مذکور در سایر پژوهش‌ها مانند مرکز و همکاران (۲۰۱۳)، اتکنیسون و همکاران (۲۰۱۷) و حسن و زدما (۲۰۱۸) نیز اشاره شده است و در این پژوهش نیز تأیید می‌گردد. از سوی دیگر، به منظور دستیابی به اهداف مشترک شهر وندان، مذاکرات و تفاوتاتی درون اجتماع محلی و میان کنشگران محلی و نهادهای دولتی رخداد می‌کند. در فرآیندهای خودسازماندهی شهری و نیز مذاکرات و تفاوتاتی بیرون از اجتماع محلی و میان کنشگران محلی و نهادهای دولتی رخ می‌دهد. در خلال این مذاکرات، برنامه‌ها و پروژه‌های موردنیاز شهر وندان تعریف شده و در نهایت، بودجه‌ی مورد نیاز جهت اجرای پروژه‌ها از کانال‌های مختلف از قبیل آورده‌ی مردمی، بودجه‌های اختصاص یافته‌ی دولتی به محله و تبدیل پتانسیل‌های مختلف به یکدیگر تأمین می‌گردد. در پژوهش‌های پیشین مانند مرکز و همکاران (۲۰۱۳) و نانبوگو و کورا (۲۰۱۶) و کوزولینو و همکاران (۲۰۱۷) به مفاهیم آورده‌ی مردمی و بودجه‌های اختصاص یافته‌ی دولتی اشاره شده است. اما مفهوم تبدیل پتانسیل‌های مختلف به یکدیگر از مفاهیم حاصل شده در این پژوهش می‌باشد.

تحلیل و تفسیر شرایط زمینه‌ای: در الگوی خودسازماندهی شهری محلات سبزوار، مقولات "ظرفیت فنی، دانش و آگاهی شهر وندان"، "ظرفیت مجتمع علمی محلی"، "ظرفیت‌ها و دارایی‌های فیزیکی محله"، "رسمیت بخشی به گروههای خودسازمانده" و "استقلال گروههای خودسازمانده" به عنوان شرایط زمینه‌ای معرفی می‌گردد. در تشریح این شرایط باید گفت، میزان آگاهی شهر وندان از وظایف و اختیارات مدیران و نهادهای دولتی، میزان مهارت‌ها و تمرین‌های اجتماعی و ظرفیت‌های فنی و مهارت و دانش شهر وندان و گروههای خودسازمانده بر موقوفیت

مذاکرات و توافقات و افزایش یادگیری جمعی تأثیر عمده‌ای می‌گذارد. از طرف دیگر، ظرفیت مجتمع علمی محلی از قبیل دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌های موجود و نیز اساتید حاضر در آنها فرصت بسیار مناسبی جهت تبادل ایده و اطلاعات و آموزش و یادگیری جمعی فراهم می‌آورد. در پژوهش‌های پیشین به مقوله‌ی ظرفیت مجتمع علمی محلی اشاره‌ای نشده است و این مقوله در این پژوهش بدست آمده است. علت این موضوع وجود دانشگاه‌های متعدد در زمینه‌ی شهر سبزوار است که در کدهای مستخرج از مصاحبه‌ها مشاهده می‌گردد.

همچنین، دارایی‌های مالی و منابع و ظرفیت‌های کالبدی موجود و موقعیت مکانی شامل ساختمان‌های تجاری موجود در محله، مشاغل محلی موجود، سرمایه‌های کالبدی افراد، زمین‌های خالی و بلااستفاده در محله و از این قبیل موارد بر تأمین بودجه پژوهش‌های تعریف شده در سطح محله تأثیر بسزایی دارند. به مقوله‌ی ظرفیت‌ها و دارایی‌های فیزیکی در پژوهش‌های گذشته مانند کوتوس و هاوکا (۲۰۱۰)، مرکر و همکاران (۲۰۱۳) و نانبوگو و کورا (۲۰۱۶) اشاره شده است و نتایج پژوهش حاضر نیز آن را تأیید می‌نماید. از طرف دیگر، به رسمیت شناختن استقلال گروه‌های خودسازمانده و داولطلب محلی و تقویض اختیار به آنها، به گروه‌های مذکور صورت قانونی بخشیده و سبب قدرت و موقفيت آنها در عرصه‌ی مذاکرات و توافقات می‌گردد. مقولات مذکور در پژوهش‌های پیشین مانند هورلی و همکاران (۲۰۱۵)، راؤس (۲۰۱۶) و ایزنبورگ (۲۰۱۹) آمده است و مطالعات پژوهش حاضر نیز آنها را تأیید می‌کند.

تحلیل و تفسیر شرایط مداخله‌گر: شرایط مداخله‌گر در الگوی حاصل از پژوهش "قوانین و نیروهای نهادی" می‌باشد. شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای عمومی هستند که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند. ساختارها و چارچوب‌های قانونی تسهیل‌کننده و مکانیسم‌های مطلوب حاکمیتی و مدیریت شهری در سطح کلان و محلی از قبیل وجود سیستم‌های مدیریت شهری چندسطحی، حمایت نهادهای رسمی و سازمان‌های مديیریتی و پشتیبان، روش مناسب انتخاب مدیران، حذف بورکراسی و مراحل دست و پاگیر اداری، تسهیل مجوزهای قانونی مورد نیاز و تدوین قوانین انعطاف‌پذیر و قابل تطبیق با شرایط محلی و نیز ایجاد ساختارهای مدیریت محلی، بسترهايی هستند که اثرات قابل توجهی در ایجاد و گسترش فرآیندهای خودسازماندهی شهری بر جای می‌گذارند. مقوله‌ی قوانین و نیروهای نهادی با ۴۹ کد، یکی از مقولاتیست که بیشترین کدها را به خود اختصاص داده است. این مقوله با ۳ مفهوم در پژوهش‌های پیشین به دفات آمده است که مطالعات زنگ و همکاران (۲۰۱۵)، راؤس (۲۰۱۶)، کوزولینو و همکاران (۲۰۱۷) و حسنو و زدما (۲۰۱۸) از این قبیل هستند. نتایج پژوهش حاضر نیز بر این موضوع تأکید می‌کند. از آنجا که مکانیسم‌های برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مشارکتی، پایین به بالا و دموکراتیک در نظام مدیریت شهری در بستر تحقیق (شهر سبزوار) به صورت کامل عملیاتی نشده است، شرایط مذکور غالباً نقش بازدارندگی دارند. مقوله‌ی مذکور در داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به کرات و به طرق مختلف پدیدار شد.

تحلیل و تفسیر پیامدها: مطابق با یافته‌های این پژوهش، فرآیندهای خودسازماندهی شهری، سبب ارتقاء ابعاد عملکردی از قبیل اصلاح شبکه‌های دسترسی، آماده‌سازی، طراحی و تأمین مسکن، اجرای زیرساخت‌ها و تامین خدمات، حفظ و نگهداری پس از اجرا، ایجاد فضاهای اوقات فراغت و مطالعات بافت فرسوده می‌گردد. مقوله‌ی ارتقاء ابعاد عملکردی ۶ مفهوم را در بر می‌گیرد که ۵ مفهوم آن در پژوهش‌های پیشین مانند نانبوگو و کورا (۲۰۱۶)، کوزولینو و همکاران (۲۰۱۷)، کورا و همکاران (۲۰۱۷) و ایزنبورگ (۲۰۱۹) آمده است و نتایج مطالعه‌ی حاضر نیز برآن تأکید می‌نماید. اما مفهوم مطالعات بافت فرسوده از زمینه‌ی تحقیق برآمده و حاصل یافته‌های این پژوهش می‌باشد. این موضوع نیز به دلیل شرایط شهر سبزوار است که بافت فرسوده به عنوان یکی از مهم‌ترین معضلات این شهر محسوب می‌گردد و بنابراین بر کدهای احصاء‌شده از مصاحبه‌ها نیز تأثیر گذاشته است.

از طرف دیگر، فرآیندهای خودسازماندهی شهری ابعاد معنایی شامل احساس تعلق به مکان، خاطره‌انگیزی محیط، سرزندگی و احساس هویت را نیز ارتقاء می‌دهد و ابعاد بصیری و زیستمحیطی محله نیز بهبود می‌یابد. مقوله‌ی ارتقاء ابعاد زیستمحیطی در پژوهش‌های پیشین از جمله مطالعات انتکینسون و همکاران (۲۰۱۷) و حسنو و زدما (۲۰۱۸) آمده است و نتایج این پژوهش نیز آن را تأیید می‌کند. دستاوردهای اقتصادی از قبیل بهره‌وری اقتصادی در پژوهش‌ها، اشتغال و کارآفرینی و جذب سرمایه‌گذار نیز از دیگر پیامدهای الگوی حاصل است که در سایر مطالعات مانند مرکر و همکاران (۲۰۱۳) و ایزنبورگ (۲۰۱۹) به مفهوم اشتغال و کارآفرینی اشاره شده اما بهره‌وری اقتصادی و جذب سرمایه‌گذار از مقاومتی است که در این پژوهش بدست آمده است. مداخلات اجتماعی و رفتار محور نیز از دیگر پیامدهای فرآیندهای خودسازماندهی شهری می‌باشد که در پژوهش‌های پیشین به آن اشاره شده و مطالعات این پژوهش نیز آن را تأیید می‌نماید.

نتیجه‌گیری

با وجود مطالعات نظری بسیار در زمینه‌ی مشارکت، شواهد بسیاری نشان می‌دهد که فرآیندهای مشارکتی در عمل، از موقفيت کافی برخوردار نبوده‌اند. به عقیده‌ی محققان، مفهوم خودسازماندهی شهری می‌تواند راهی برای خروج از این مسئله فراهم آورد. از این رو و با توجه به

ناشناخته بودن این پدیده در داخل کشور، هدف پژوهش حاضر شناسایی مفاهیم و مقولات خودسازماندهی شهری در محلات شهر سبزوار و بررسی چگونگی ارتباط بین آنها می‌باشد.

تحلیل داده‌های حاصل از مرور نظاممند مطالعات در زمینه‌ی خودسازماندهی شهری و مصاحبه با هجده نفر از کنشگران دخیل در فرآیندهای خودسازماندهی شهری در شهر سبزوار، مسئولان مدیریت شهری و نیز متخصصان مسائل شهری به شناسایی الگویی منجر شد که روابط بین مفاهیم و مقولات خودسازماندهی شهری در شهر سبزوار را بیان می‌نماید. در الگوی مذکور جریان ثابت انرژی به عنوان مقوله‌ی محوری معرفی گردید. در حقیقت، جریان ارتباطات، تعاملات و تبادل ایده‌ها، تجربیات و اطلاعات در میان کنشگران مختلف فرآیندهای خودسازماندهی شهری اعم از شهروندان، افاده کلیدی و مسئولین نهادهای رسمی، اساس فرآیندهای خودسازماندهی شهری مبتنی بر جامعه را تشکیل می‌دهد. از این رو تلاش در جهت برقراری و افزایش جریان مذکور می‌تواند بسترها لازم برای شکل‌گیری فرآیندهای خودسازماندهی شهری را فراهم آورد.

نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر به طور کلی با پژوهش‌های پیشین، مطابقت دارد. مقوله‌ای که در پژوهش‌های پیشین به آن اشاره‌ای نشده بود، ظرفیت مجامع علمی محلی است که این مورد در پژوهش حاضر به سبب شرایط ویژه سبزوار وجود دانشگاه‌های متعدد و بسیار (به نسبت جمعیت شهر) ظهره یافت. از دیگر مواردی که در رابطه با پژوهش‌های پیشین می‌توان به آن اشاره کرد، مقوله‌ی قوانین و نیروهای نهادی است. از آنجا که اکثر قریب به اتفاق تحقیقات پیشین در کشورهایی انجام گرفته که از سابقه‌ی دموکراتیک بالایی برخوردارند، مقوله‌ی مذکور غالباً به عنوان عاملی در جهت توسعه‌ی فرآیندهای خودسازماندهی شهری شناخته شده است. این در حالی است که با توجه به شرایط موجود در کشور، قوانین و نیروهای نهادی در سطوح کلان و خرد، شرایط مداخله‌گری در فرآیندهای خودسازماندهی شهری محسوب می‌شوند که لزوم اصلاح آنها ضروری به نظر می‌رسد. در حقیقت، برای نیل به مشارکت واقعی و خودسازمانیافته‌ی شهروندان، اصلاحات ساختاری و قانونی در روندهای مدیریت شهری اجتناب‌ناپذیر است. تغییرات به سمت سیستم‌های مدیریت چندسطحی، تدوین قوانین انعطاف‌پذیر و قابل

تطبیق با شرایط محلی و حذف مراحل دست و پاگیر اداری از جمله مهم‌ترین اقداماتی است که باید در این زمینه مورد توجه قرار داد.

برای انجام پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌گردد که الگوی پیشنهادی در این پژوهش در سایر شهرهای کشور مورد ارزیابی قرار گرفته و از این طریق الگوی مذکور بهبود یابد. همچنین پیشنهاد می‌گردد تهیه و ارائه مدل‌های عملیاتی مشارکت با استفاده از ظرفیت خودسازماندهی شهری، در دستور کار محققین قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|-----------------------------|---|
| 1. Self- Organization | 10. Nunbogu and Prosper Korah |
| 2. Urban Self- Organization | 11. Atkinsona et al |
| 3. Haken and Portugali | 12. Hasanov and Zuidema |
| 4. Barros and Sobreira | 13. Actor Network Theory |
| 5. Hua | 14. Latour |
| 6. Partanen | 15. Wagenaar |
| 7. Levy et al | 16. Multi Grounded Theory |
| 8. Boonstra and Boelens | 17. Interview Protocol Refinement Framework |
| 9. Hasanov and Beaumont | |

منابع

- بزی، خ و حیدری، ف. (۱۳۹۵). بررسی سرمایه اجتماعی در محلات مختلف شهر داراب (استان فارس). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۷ (۲۴)، ۱۴۳-۱۵۶.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دولت. (۱۳۹۷). افزایش تعداد سمن‌ها به ۱۴ هزار در کشور / لایحه سمن‌ها تهیه و به دولت ارائه شده است [خبر]. بازیابی شده در ۱۵ مهر ۱۳۹۹، از <http://dolat.ir/detail/311523>
- پرتال شهرداری سبزوار. (۱۳۹۵). نتایج سرشماری شهرستان سبزوار و حومه سال ۱۳۹۵ [خبر سبزوار]. بازیابی شده در ۱۵ مهر ۱۳۹۹، از <http://sabzevar.ir>
- پیران، پ. (۱۳۸۳). مشارکت اجتماعی در ایران؛ تنافضی ریشه‌دار، در مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- پورمحمدی، م. ح، حسین‌زاده دلیر، ک و پیری، ع. (۱۳۹۰). تحلیلی بر دگرگونی کیفی سرمایه اجتماعی در نظام شهری، نمونه موردی: نظام شهری استان آذربایجان شرقی. مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۱(۳)، ۱۹-۱.

- حاجی‌پور، خ. (۱۳۸۵). برنامه ریزی محله- مبنا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار. هنرهای زیبا، ۲۶، ۳۷-۴۶.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، استان خراسان رضوی. (۱۳۹۸). تعداد سازمان‌های مردم نهاد سبزوار افزایش یافت. بازیابی شده در ۱۵ مهر ۱۳۹۹، از <https://www.irna.ir/news/83436530>
- دانشور، م، غفاری، ع و ماجدی، ح. (۱۳۹۸). رویکردی داده بنیاد بر کاربست برنامه‌های ساختاری- راهبردی در نظام شهرسازی ایران. معماری و شهرسازی آرمانشهر، ۲۷، ۱۵۵-۱۶۵.
- صفار سبزوار، ف، دانشور، م، حنایی، ت و سیدالحسینی، س.م. (۱۳۹۸). شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مفهوم خودسازماندهی شهری با استفاده از روش فراترکیب. دانش شهرسازی، ۳(۴)، ۵۳-۷۱.
- قادری، ص، فاضلی، م و پاکسرشت، س. (۱۳۹۵). راهبردهای محله محوری و توسعه محله‌ای: مقایسه الگوی مدیریت محله و عملکرد آن در ایران و انگلستان. توسعه محله‌ای (روستایی- شهری)، ۸(۱)، ۵۷-۸۸.
- نوری کرمانی، ع، رضایی، ع. الف و پاکدل نژاد، م. (۱۳۹۴). ارزیابی برنامه ریزی مشارکتی طرح مدیریت محله در شهر تهران. مطالعات جامعه‌شناسی شهری، ۵(۱۵)، ۱۸۳-۲۱۸.
- Atkinson, R., Dörfler, T., Hasanov, M., Rothfu, E., & Smith, I. (2017). Making the case for self-organization: understanding how communities make sense of sustainability & climate change through collective action. *Sustainable Society*, 9 (3), 1-20.
 - Boonstra, B., & Boelens, L. (2011). Self-organization in urban development: Towards a new perspective on spatial planning. *Urban Research & Practice*, 4 (2), 99-122.
 - Cevallos, E. S. P. (2014). Self-organization and urban cycling in Quito: the role and influence of civil society in alternative mobility policies and planning. MSc Programme in Urban Management and Development, Rotterdam, The Netherlands.
 - Eizenberg, E. (2019). Patterns of self-organization in the context of urban planning: Reconsidering venues of participation. *Planning Theory*. 18 (1), 40- 57.
 - Fridman, J. (1993). Toward a Non- Euclidian Mode of Planning. *APA Journal*, 482-485.
 - Goldkuhl, G., & Cronholm, S. (2010). Adding theoretical grounding to grounded theory: Toward multi-grounded theory. *International journal of qualitative methods*, 9 (2), 187-205.
 - Hasanov, M., & Beaumont, J. (2016). The value of collective intentionality for understanding urban self-organization. *Urban Research & Practice*, 9 (3), 231-249.
 - Hasanov, M., Zuidema, C. (2018). The transformative power of self-organization: Towards a conceptual framework for understanding local energy initiatives in The Netherlands. *Energy Research & Social Science*, (37), 85-93.
 - Horelli, L., Saad-Sulonen, J., Wallin, S., & Botero, A. (2015). When Self-Organization Intersects with Urban Planning: Two Cases from Helsinki. *Planning, Practice & Research*, 30 (3), 286-302.
 - Korah, P. I., Cobbinah, P. B., & Numbogu, A. M. (2017). Spatial Planning in Ghana: Exploring the Contradictions. *Planning Practice & Research*, 32 (4), 361-384.
 - Latour, B. (2005). Reassembling the social: An introduction to actor-network-theory. Oxford, USA: Oxford University Press.
 - Lind, M., & Goldkuhl, G. (2006). How to develop a multi-grounded theory: The evolution of a business process theory. *Australasian Journal of Information Systems*, 13 (2), 69-86.
 - Meerkerk, I. v., Boonstra, B., & Edelenbos, J. (2013). Self-Organization in Urban Regeneration: A Two-Case Comparative Research. *European Planning Studies*, 21 (10), 1630-1652.
 - Nederhand, J., Bekkers, V., & Voorberg, W. (2015). Self-Organization and the Role of Government: How and why does self-organization evolve in the shadow of hierarchy?. *Public Management Review*, 18 (7), 1063-1084.
 - Numbogu, A. M., & Korah, P. I. (2016). Self- organisation in urban spatial planning: Evidence from the Greater Accra Metropolitan Area, Ghana. *Urban Research & Practice*, 10 (4), 423-441.
 - Williams-Jones, B., & Graham, J. E. (2003). Actor-network theory: A tool to support ethical analysis of commercial genetic testing. *New Genetics and Society*. 22 (3), 271-296.

Urban self-organization in practice: identifying a model for understanding collective action in neighborhoods of Sabzevar City

Fateme Saffar Sabzevar, Ph.D. Candidate, Department of Urbanism, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Maryam Daneshvar, Assistant Professor, Department of Urbanism, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. (m.daneshvar@srbiau.ac.ir)

Toktam Hanaee, Assistant Professor, Department of Urbanism, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Seyed Moslem Seyedalhosseini, Associate Professor, Department of Urbanism, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Received: 2021/01/19

Accepted: 2021/08/02

Extended abstract

Introduction: Studies show that the concept of urban self-organization can pave the way for researchers to achieve actual citizen participation. Despite the importance of this issue, there is a significant cognitive gap in this field in Iran. Due to the contextual nature of urban self-organization, to use this concept in the development of the country's neighborhoods, one must first understand the specific concepts and elements of this phenomenon inside. This study aims to identify the concepts and categories of urban self-organization in the neighborhoods of Sabzevar and investigate the relationship between these concepts and categories.

Methodology: the research uses the multi grounded theory. The existing theoretical texts were reviewed during a round-trip process, and 18 activists of urban self-organization processes in Sabzevar, officials, and experts on urban issues were interviewed. A combination of purposeful judgment methods and snowballs, non-probabilistic methods, has been used to select the statistical population. Adequacy of sampling has also been achieved by the theoretical sampling method.

Results: During the research process, 423 initial codes, 68 concepts, and 22 categories were identified. Among the obtained categories, "constant energy flow" was introduced as a core category. "motivating factors", "Structural forces and capacities of the local community", "Transparency and accessibility of information", "Socio-psychological characteristics of key people", "Spatial-social proximity" and "Determination of managers" "Were identified as causal conditions. Strategies resulting from a core category in the model include "negotiations and agreements", "multi-sectoral funding methods", "creating common interests" and "collective learning". On the one hand, in this model, the categories of "technical capacity, knowledge, and awareness of citizens", "capacity of local scientific societies", "capacities and physical assets of the neighborhood", "recognition of self-organized groups" and "independence of Self-organized groups" is introduced as the context conditions. On the other hand, "institutional rules and forces" are the intervening conditions in the mentioned model.

Conclusion: The flow of communication, interactions, and exchange of ideas, experiences, and information among the various actors of urban self-organization processes, including citizens, key individuals, and Responsible official bodies, form the basis of urban self-organization processes. Therefore, efforts to establish and increase this flow can provide the necessary conditions for forming urban self-organization processes. According to the research findings, structural and legal reforms in urban management processes are inevitable to achieve real and self-organized participation. Changes to multi-level management systems, the development of flexible rules that are adaptable to local conditions, and the elimination of cumbersome administrative procedures are among the most essential measures that should be considered in this regard. Finally, the proposed model promotes functional, semantic, and environmental dimensions and brings "economic achievements" and "social and behavior-oriented interventions".

Keywords: Urban Self-Organization, Sabzevar City, Participation, Multi Grounded Theory